

دو هفته اعتصاب کارگران پروژه ای و پیمانی نفت و گاز اتحاد و پیشروی در گرو چیست؟

سیاوش دانشور

صفحه ۲

منصور حکمت آنطور که من شناختم (قسمتی از گفتگوی مفصلتر با رحمان حسین زاده)

صفحه ۵

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۵ تیرماه،

”نه“ قاطع تر به کل نظام!

صفحه ۸

شکست تاریخی جمهوری اسلامی در مضحکه انتخابات ۱۴۰۳!

گام بعدی چیست؟

امیر عسگری

صفحه ۹

لمپنیسم هواداران سلطنت در روز اعتراض به

انتخابات در لندن

سعید آرمان

در یک نگاه!

شکست، خدعه و سردرگمی خامنه ای!

رحمان حسین زاده

در صفحات دیگر

- گزارش شرکت فعالین حزب در اعتراض به مضحکه انتخابات در خارج کشور
- ستون اخبار مبارزات کارگری و جنبش های اجتماعی



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
Hekmatist

۱۵ تیر ۱۴۰۳ - ۵ ژوئیه ۲۰۲۴

کشتار و آوارگی مردم در غزه ادامه دارد

خطر گسترش جنگ در منطقه

کشتار و آوارگی مردم در غزه توسط دولت و ارتش نژاد پرست اسرائیل با سببیت تمام ادامه دارد. اکنون کمتر رسانه ای است در جهان که خبر کشتار و آوارگی روزانه مردم غزه را منعکس کند. سکوت بستر اصلی رسانه ها در مورد این جنایات به نفع دولت اسرائیل عمل می کند. در اخبار یافت می شود که ظاهراً دولتهای مدح مکرر آسای و حقوق بشری از تشدید جنگ و آوارگی مردم غزه اظهار نگرانی می کنند و به دولت اسرائیل اعتراض و تذکر می دهند که مثلاً این ”جنایت جنگی است“ ولی برای توقف جنگ و پایان دادن به این نسل کشی نه تنها کاری جدی صورت نمی دهند، دست از حمایت دولت اسرائیل بر نمی دارند. این همه اعتراض مردم آزادیخواه جهان به این نسل کشی را نادیده می گیرند. مثلاً بی بی سی در تاریخ ۳ ژوئیه در مطلبی تیتر زده است ”افزایش نگرانی ها در باره تشدید جنگ در دومین شهر بزرگ غزه“ منظور خان یونس است که برای دومین بار ارتش اسرائیل قصد دارد به آنجا حمله کند.

بیشتر از ۹ ماه از حمله درندانه ارتش تا دندان مسلح دولت نژاد پرست و قاتل مردم فلسطین در نوار غزه می گذرد. در این مدت جهان شاهد جنایاتی هولناک در این باریکه بوده است. در زمینی به مساحت ۳۶۰ کیلومتر مربع نزدیک به دو نیم میلیون

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



دو هفته اعتصاب کارگران پروژه ای و پیمانی نفت و گاز اتحاد و پیشروی در گرو چیست؟

سیاوش دانشپور

آیتم های قراردادهای بصورت دستجمعی در هر شرکت پیمانکاری هستند. ایجاد رقابت و شکاف میان کارگران و سیاست انعقاد قراردادهای جدید بصورت فردی مسیری بوده است که در اعتصابات سالهای گذشته پیش رفته است. درهم شکستن این سیاست پیمانکاران، که عمدتاً وابسته به شرکتهای مادر هستند و مجموعاً کل دستمزدها و هزینه های تمام شده را کاهش میدهند، نیازمند اتحاد و دخالت وسیع تر کارگران اعتصابی و گسترش اعتصاب است. در حال حاضر کارفرمایان با دیوارهایی که میان کارگران یک صنعت واحد کشیده اند و قصابی نیروی کار به قراردادهای و اتیکت های مختلف، میتوانند از مسئولیت شرکتها در قبال کارگر شانه خالی کنند، دستمزد کمتری بپردازند، بسیاری از مزایا و بیمه ها را بزنند و سود بیشتری به جیب بزنند.

نقاط قدرت و ضعف اعتصاب

مهمترین نقطه قدرت اعتصاب خود اعتصاب در همین سطح در شرکتهای نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاهی در شرایط سیاسی معین در کشور است. نفس اعتصاب در این ابعاد مهم و روی سیاست ایران بطور اعم و جنبش کارگری بطور اخص تاثیر مثبت دارد. سیاستهای راستی که بخشی از کارفرمایان را تحت عنوان "کارفرمای خوب" تمجید میکند و به همکاران غیر اعتصابی تعرض میکند، باندازه سیاست اعتصاب شکنی کارفرمایان مخرب است. اعتصاب کارگری میسر عدالتخواهی و وحدت کارگری در مقابل سرمایه داران متفرقه و دولت شان است. یک سیاست کارگری در درجه اول اتحاد کنونی را با تکیه به منفعت عمومی کارگران حراست و تقویت میکند و برای این امر به روشهایی متکی میشود که کارگر ذینفع را درگیر و



با آگاهگری اعتصاب را قدرتمند تر میکند.

یک ضعف اساسی اعتصاب خصلت خاموش و بدون تحرک کارگران اعتصابی است. سیاست انتظار حاکم بر اعتصاب منبع مهمی برای مانور پیمانکاران و کاهش تاثیر و فشار

صفحه ۴

امروز ۱۳ تیرماه، کارگران پروژه ای و پیمانی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی وارد دومین هفته اعتصاب خود شدند. در روزهای اخیر این اعتصاب قریب ۱۲۰ شرکت با بیش از ۲۰۰۰۰ کارگر را دربرگرفته است. خواستههای محوری کارگران افزایش حقوقها با توجه به تخصص در جدولهای حقوقی، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت، رفع تبعیض و برخورداری از مزایای کارگران شرکتهای نفتی، بهبود وضعیت فاجعه بار خوابگاه ها و امکانات آن بویژه در شرایط گرمای جنوب کشور، بهبود سرویسهای بهداشتی و غذائی محل کار، تامین استانداردهای ایمنی کار، همینطور حذف پیمانکاران از پروسه تامین استخدام نیرو است.

خواست حذف پیمانکاران که امسال با تاکید بیشتری طرح شده است یک موضوع کلیدی و درعین حال پیچیده تر است. تحقق این خواست و محوری شدن آن در گرو حمایت بخشهای دیگر کارگری در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی از جمله در صدها شرکت پیمانکاری، کارگران شرکتهای نیروگاهی اعم از ارکان ثالث، کارگران قراردادی، قرارداد معین، حجمی، روز مزد، پیمانی و بویژه کارگران رسمی در این شرکتها است. خواست کنونی کارگران اعتصابی پروژه ای و پیمانی گامی در این مسیر است اما تحقق حذف شرکتهای پیمانکاری که عمده مراکز صنعتی ایران را دربرگرفته است، بدون یک تحرک عمومی تر طبقه کارگر حول این خواست ممکن نیست. تبدیل وضعیت کارگران پروژه ای و پیمانی و کل مجموعه قراردادهای کارگران غیر رسمی به کارگران رسمی با مسئولیت شرکتهای مادر و کسب حقوق و مزایای یکسان در گرو اتحاد سراسری تر کارگری است.

جلوه های اتحاد کارگری

اعتصاب امسال از اتحاد و همدلی بیشتری میان کارگران برخوردار است و همین اتحاد و یگانگی تاکنون مانع اقدامات ضد کارگری اعتصاب شکنانه کارفرمایان و ایجاد تفرقه میان کارگران شده است. تلاش برای شکستن اعتصاب و جایگزینی کارگران با قراردادهای جدید و لحاظ کردن درجه ای افزایش دستمزد بویژه توسط پیمانکاران مستقر در شرکتهای پتروشیمی صدف و جهان پارس نتوانست اتحاد اعتصابیون را بشکند. پیمانکاران زانو برای اتمام پروژه های ناتمام در شرکت پتروتکسان اصفهان حاضر شدند کارگران بیکار را با حقوق روزی شش میلیون بصورت اورهال استخدام کنند که با سد اتحاد کارگران روبرو شدند. در موارد دیگری از جمله پیمانکاری خالق پتروپالایش که در سال قبل همین سیاست را پیش برد و به آن عمل نکرد، با ۱۴ روز کار و حقوق ۴۰ میلیونی با داربست بندها رضایت داده بود اما اتحاد کارگران اعتصابی و بیکار مانع این مانور اعتصاب شکنانه شد.

تاکتیک کارفرمایان و پیمانکاران زانو قبول صوری خواستههای کارگران و نفی آن در عمل است. کارگران خواهان لحاظ کردن کتبی موارد و

مرگ بر جمهوری اسلامی!



آشوب میکشاند، جنایت اسرائیل در غزه را حاشیه ای و سرنوشت مردم فلسطین در نوارغزه را وخیم تر وبا آینده نامعلومی روبرو خواهد کرد. دولت نژاد پرست واشغالگر اسرائیل که سابقه طولانی جنگ و کشمکش در مرزهای دو کشور با لبنان را دارد به خوبی آگاه بود که حمله به غزه با واکنش حزب اله لبنان روبرو خواهد شد، هدفی که به آن نایل آمد. جنگ در نوارغزه

باید پایان یابد. این خواست مردم آزادیخواه جهان است که ماه هاست فریاد می زنند. مردم فلسطین حق دارند که زندگی امن و بدور از جنگ و کشتار داشته باشند. باید دولت نژاد پرست اسرائیل را وادار کرد دست از جنگ و اشغال سرزمین مردم فلسطین بر دارد، غزه بازسازی و مردم به محل زندگی خود باز گردند. باید جلو گسترش جنگ در منطقه را گرفت. گسترش اعتراض مردم آزادیخواه جهان علیه نسل کشی مردم فلسطین و جلوگیری از گسترش جنگ در منطقه بسترو فاکتور اصلی فشار به دولت های بورژوازی برای پایان جنگ است.

سردبیر

۴ ژوئیه ۲۰۲۴



کشتار و آوارگی مردم در غزه ادامه دارد

خطر گسترش جنگ در منطقه

ساکنان در طول این حمله وحشیانه چندین بار از شمال به جنوب و از جنوب به شمال دربدر و آواره و تاکنون هزاران نفر کشته و زخمی و تمام نوار غزه نابود شده است. مردم یا در خرابه ها و یادر چادرها هر لحظه مرگ را تجربه می کنند. مکانهای سازمان ملل نیز جای امنی برای زیست موقت هم نیست و آسمان هم جای زندگی نیست.

دولت اسرائیل اخیراً دوباره دستور تخلیه شهر خان یونس را صادر کرده است و امکان حمله دوباره زمینی به آنجا در دستور ارتش اسرائیل قرار گرفته است. خان یونس دومین شهر بزرگ نوار غزه که چند ماه پیش توسط ارتش اسرائیل تقریباً ویران و ساکنین آن آواره و به شهر رفح، جنوبی ترین شهر نوار غزه پناه بردند. خان یونس اکنون محل یک میلیون مردم آواره غزه است که در نتیجه حمله ارتش اسرائیل در یک و نیم ماه گذشته به شهر رفح، به آنجا پناه برده بودند و اکنون مجبورند دنبال جای امنی فقط برای زنده ماندن باشند، که دیگر وجود خارجی ندارد. سازمان ملل می گویند دستور تخلیه دوباره این منطقه تا کنون ۲۵۰ هزار نفر را آواره کرده است. کشتار، آوارگی، گرسنگی، سهم مردم فلسطین در این دنیای نابرابر و نظم ظالمانه سرمایه داری است که دولت نژاد پرست و مذهبی اسرائیل بخشی از آن است.

دولت نژاد پرست اسرائیل قصد نابودی مردم فلسطین را دارد. نه تنها نوارغزه، که مردم در کرانه باختری رود اردن و شهرک و دهاتهای تحت حاکمیت اسرائیل در امان نیستند. یا کشته می شوند و یا به اجبار و ترس از مرگ محل زندگی خود را ترک می کنند. این سرنوشت مردم ستمدیده فلسطین است که بیشتر از ۷ دهه است توسط دولت اسرائیل رقم خورده و حمله هفت اکتبر بهانه ای برای ادامه این نسل کشی و ویران کردن تمام و کمال محل زندگی و یا زندان قدیمی غزه است.

تهدید دولت اسرائیل به جنگ با حزب اله لبنان، نه تنها خاورمیانه را به

دو هفته اعتصاب کارگران پروژه ای و

پیمانی ...

اعتصاب امسال کارگران پروژه ای و پیمانی میتواند از کمبودها و محدودیتهای اعتصاب های دو سال گذشته مبرا باشد و بدرجه زیادی با تحمیل خواسته های برحق خود به کارفرمایان پیروز شود. شرط این پیروزی اینست که سیاستی را دنبال کرد که منفعت عموم کارگران را لحاظ میکند. اعتصاب در دومین هفته خود هنوز در موج گسترش است اما این منحنی میتواند سقوط کند و روند خاموش و بی صدای اعتصاب تدریجاً به ختم بدون نتیجه اعتصاب منجر شود. برای ممانعت از این امر آستینها را بالا بزنیم و در همان چهارچوب کمپین ۱۴-۱۴ برای "سفره واحد کارگران" و "برای منافع واحد کارگری" و "برای همبستگی طبقاتی" بکوشیم. درود بر اعتصاب و اتحاد کارگران پروژه ای و پیمانی!

۱۳ تیرماه ۱۴۰۳

نیست که "وکیل الرعایا" بخواهد و اختیار خود را دست افراد بیربط به شرکت نفت بدهد. هیچ تک فرد یا افرادی نمیتوانند مسائل کارگران اعتصابی در شرکتهای متنوع و مختلف در شهرهای ایران را دنبال کنند و بجای آنها حرف بزنند و یا سیاست تعیین کنند. به هر درجه که قدرت ما در اجتماعات و مجامع عمومی دیده شود، به همان درجه مصونیت داریم و اجازه نمیدهیم که فرصت طلبان با اعتصاب و منافع کارگران بازی کنند. در متن این اعتصابات برای ایجاد "شورای سراسری کارگران پروژه ای و پیمانی" با اتکا به مجامع عمومی کارگران و نمایندگان منتخب و قابل عزل آن تلاش کنیم. این یکی از دستاوردهای اعتصاب و کمپین باید باشد.

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



پیمانکاری همجوار لازم است نمایندگان کارگران توسط خود کارگران انتخاب شوند و براساس منافع جمعی حرفشان را یکی کنند. ثانیاً، مجمع نمایندگان کارگران در شرکتهای مختلف روی اولویت خواستها، جدول دستمزدها و حقوق و مزایا، چهارچوب قراردادهای آتیتم های آن توافق کنند و مبنائی برای مذاکرات و بازگشت به کار تعیین کنند. ثالثاً، در مراکز مهم مثل پارس جنوبی و عسلویه و مراکز شهرها و استان اجتماعات همزمان و زنجیره ای با حضور کارگران اعتصابی برگزار شود. هیچ نماینده یا هیات نمایندگان کارگری بدون پشتوانه قدرتمند کارگران اعتصابی نمیتواند کارش را پیش ببرد و هیچ کارفرمائی بدون احساس فشار واقعی تن به خواست کارگران اعتصابی نمیدهد.

۴- برای گسترش اعتصاب و همبستگی کارگری کار کنیم
فراخوان صرف "به ما بپیوندید" کافی نیست، همینطور بدزبانی و تهدید همکار تاثیر منفی دارد. پیوستن کارگران صدها شرکت پیمانی به اعتصاب کار فشرده لازم دارد. اگر اعتصاب روش درست و موثری را پیش بگیرد و حرف و خواستههای روشنی داشته باشد، کارگران دیگر شرکتهای راحت تر به اعتصاب ملحق میشوند و میتوانند حمایت شان را در سطوح مختلف اعلام کنند. دستکم خواست اعتصابیون سرایت میکند و فشار اعتصاب در شرکتهای مختلف عامل عقب نشینی پیمانکاران و کارفرمایان شرکتهای نفتی میشود. بجز گسترش اعتصاب که باید برای آن آگاهانه تلاش کرد، ما نیازمند جلب همبستگی کارگری با اعتصاب در بخشهای مختلف و مهم شرکت نفت از جمله میان کارگران رسمی و همینطور بخشهای مهم دیگر جنبش کارگری ایران هستیم. برای این مهم لازمست نمایندگان از کارگران روی این جنبه اساسی کار کنند. کارفرما تلاش دارد اعتصاب را بشکند و منزوی کند، کارگر اعتصابی باید برای اعتصاب حمایت جلب کند و به نیروی اعتصاب بیافزاید.

۵- تنها به نیروی خود در مجمع عمومی متکی شویم
تهدیدهای کارفرمایان و تلاش برای ممانعت از گسترش اعتصاب در کنار بی تحرکی کارگران به نیروهای فرصت طلب و سازشکار امکان ابراز وجود میدهد. کارگران اعتصابی نماینده ای صالح تر از خود برای تامین منافع شان ندارند و لذا تشکل آنها تنها میتواند مجمع عمومی شان و نمایندگان منتخب و قابل عزل شان باشد. یک نکته مهم و کلیدی دامنه عمل نمایندگان است. نمایندگان کارگران منتخب هستند و صرفاً حرف و تصمیم عموم کارگران را جلو میبرند. هر توافقی توسط نمایندگان باید با اطلاع و تأیید کارگران صورت گیرد. نماینده ای که از بالای سر کارگر با کارفرما توافق میکند، نماینده کارگر نیست و از حقوق نمایندگی عدول کرده است. لذا نباید اختیارمان را دست هیچ کسی بدهیم. کارگر «رعیت»

دو هفته اعتصاب کارگران پروژه ای و

پیمانی ...

اعتصاب روی کارفرمایان و دولت حامی آنهاست. کارگرانی که به ناچار دستجمعی کارگاه ها را ترک کردند و اکنون بصورت منفرد در منزل نشسته اند، نمیتوانند عامل فشار قدرتمندی روی کارفرمایان برای عقب نشینی باشند. در کنار اینها فاکتور نگرانی از بیکاری و ناتوانی از تداوم طولانی مدت اعتصاب به نفع کارفرمایان عمل میکند.

تجارب اعتصابهای سالهای قبل که تدریجاً اعتصاب محو شد و کارگران بدون سر و صدا به کار بازگشتند و عمده وعده ها و حتی توافقات در بخشی از شرکتهای اجرا نشد، دلیلی جز نقاط ضعف و کمبودهای اعتصاب نداشت. برای ممانعت از این امر اقداماتی را باید در دستور قرار دهیم:

۱- اعتصاب صدا میخواهد

بیست هزار کارگر اعتصابی باید دستکم باید صدها نماینده منتخب کارگری داشته باشند که در هر شرکت پیمانکاری جداگانه یا مجموعه ای از شرکتهای پیمانکاری حرف واحدی را همراه با دیگر کارگران اعتصابی میزنند و صدای قدرتمندی در مقابل کارفرمایان و پیمانکاران دارند. برای این امر باید کارگران اعتصابی جمع شوند، اجتماع و تظاهرات کنند، خواستههایشان را به جامعه و رسانه ها برسانند، اعتصاب را به خبر روز بدل کنند و سیاست و جامعه را حول اعتصابشان قطبی کنند. اعتصاب خاموش از اهمیت و تاثیر اعتصاب می کاهد و به همان درجه تحقق خواستههای کارگران را در حاله ای از ابهام قرار میدهد. وقتی اعتصاب با سر و صدا آغاز و سپس در سکوت به تدریج تماماً خاموش میشود، کسی نمیداند کی و چگونه اعتصاب تمام شد و حاصل آن چه بود.

۲- فشار اعتصاب باید در جامعه حس شود

بجز کارگران ارکان ثالث و بخشهایی که مستقیم و غیر مستقیم با پروژه تولید درگیر هستند، مابقی کارگران پروژه ای و پیمانی در محل کار نیستند، کسی فشار اعتصاب را حس نمیکند و حتی کارگر اعتصابی را نمی بیند. سیاستی که فقط اعتصاب را تمجید میکند و این محدودیتهای جدی را نمی بیند، دوست کارگران نیست بلکه به عقب ماندگی قاسمی میکند. چه بسا مانند مواردی که بخشاً تجربه شده تلاش دارد تحقق خواستهها را از دریچه تضاد منافع کارفرمایان شرکتهای مادر یا پیمانکاران دنبال کند. عبارت دیگر اگر پیمانکار توانست سهم چربتری از شرکت نفت و گاز بگیرد، شاید به کارگر پیمانی و پروژه ای هم چیزی برسد. این سیاست کارگر و اعتصاب را وجه المصالحه و بازیچه منافع سرمایه داران متفرقه میکند. به همین دلیل در سیمای برخی "کارفرمای خوب" جستجو میکنند و با ادبیات ضد کارگری به چهره اعتصاب و مبارزه کارگری ضربه میزند و تصویر نازلی از اعتصاب برحق کارگران میدهد. پس باید قدرت اعتصاب را به رخ بکشیم.

۳- مجمع عمومی ها را با سرعت برگزار کنیم

برای رفع دو مورد کلیدی فوق و سرو سامان دادن به اعتصاب، نیازمند برگزاری مجمع عمومی در سطوح مختلف برای تصمیم گیری در باره مسائل مهم اعتصاب هستیم. اولاً، در هر شرکت و یا چند شرکت



قطعه‌نامه های کنگره دوم کومه له -
فروردین ۱۳۶۰

خاطرات شیرین و درس آموز زیادی از منصور حکمت دارم، به ویژه از کل دوره ای که در رهبری حزب کمونیست کارگری با هم کار میکردیم، اینجا شاید به یکی دو مورد از همان دوران اولیه آشنایی اکتفا کنم. اولین

خاطره بیاد ماندنی ام از او به نواری از صحبتها و دیالوگ سیاسی او با نمایندگان رهبری کومه له که در تهران صورت گرفته بود، برمیگردد. مسئله به این صورت بود، بعد از کنگره دوم کومه له که خط مشی اتحاد مبارزان را تایید کرده بود، رهبری کومه له هیئت نمایندگی دو نفره خود را برای دیدار با رهبری اتحاد مبارزان میفرستد تا به نزدیکی سیاسی و فکری به وجود آمده جنبه عملی ببخشند. در بهار سال ۶۰ جلسه ای در تهران برگزار شده بود که یکی از رفقای رهبری اتحاد مبارزان صحبت می کرد که آن وقت نمی دانستیم منصور حکمت است، بعدا معلوم شد که او بوده است. نواری پر شده بود که رهبری کومه له برای ما جمعی از کادرهای و اعضای کومه له در ناحیه بوکان در اردیبهشت و یا خرداد ۶۰ فرستاد تا گوش کنیم. منصور حکمت در این بحث تیزبینانه مسائل اساسی ای را مطرح کرده بود. به این شکل بود که قطعه‌نامه های کنگره دوم کومه له به دست اتحا مبارزان کمونیست میرسد. بحث آنها با نمایندگان رهبری کومه له این بود که کنگره شما کنگره چپ بوده است و به چپ چرخیده و نقطه قوت بزرگی است، اما قطعه‌نامه های شما ایرادهایی هم دارد و با صراحت آنرا بیان کرده بود. از جمله قطعه‌نامه ای درباره جنبش مقاومت در کردستان هست که کومه له از سر خط مشی چپی که در پیش گرفته بود، به قول معروف به نوعی دچار چپ روی غیر دخالتر شده بود. تحت این عنوان که جنبش سیاسی در کردستان تمام موجودیت آنها نیست و صحنه مرگ و زندگی آنها نیست و گوشه ای از مبارزه است و به این دلیل سیاسی را می خواست در پیش بگیرد که عدم دخالت در جنبش سیاسی کردستان بود و این را فرموله کرده بود و ما این استنتاج غیر دخالتر و به نوعی "پاسیفیستی" را در دو سه ماهه بعد از کنگره دوم به لحاظ عملی می دیدیم. بیرون از کومه له هم این حالت را میدیدند و زیر نقد هم بودیم. منصور حکمت در آن نوار گفت "این فرمولبندی و جهت گیری برای کومه حاضر در جنبش سیاسی کردستان زیانبار است و کومه له را حاشیه ای میکند و تیر به نقطه قوت آن میزند. کومه له کماکان باید در این جنبش دخالتر باشد. باید در جنبش رفع ستم ملی در کردستان بسیار دخالتر باشد و نقش رهبری کننده داشته باشد و در عین حال کومه له باید در مبارزه سیاسی در جامعه نقش رهبری را ایفا کند و گرنه صحنه را برای حزب دمکرات و بورژوازی کرد خالی می کند." نقل به معنی. درست یادم است وقتی این صحبتها را شنیدیم، جمع فکر کنیم هشت نفره ای که داشتیم، گوش میدادیم، به همدیگر نگاه کردیم، مثل اینکه یک حلقه گمشده را دوباره بازیابیم. چون زیر فشار این نقد هم بودیم که کومه له میخواهد جنبش مقاومت کردستان را ول کند، یکهو احساس کردیم نقد درست و بسیار راه گشایی است دوباره این تکه بحث را با دقت گوش دادیم و توجه جدی ما را به خود جلب کرد و احساس کردیم راه حل هوشمندانه ای را برای دخالتگری بیشتر نشان می دهد. بعدها از دبیر اول کومه له هم شنیدم، که

صفحه ۶

منصور حکمت آنطور که من شناختم

(قسمتی از گفتگوی مفصلتر با رحمان حسین زاده)

امروز پنجشنبه چهارم ژوئیه ۲۰۲۴ یادآور واقعه غم انگیز درگذشت نابهنگام منصور حکمت رهبر شاخص کمونیسم کارگری دوره معاصر و رفیق عزیز و فراموش نشدنی در بیست و دو سال قبل است. امروز درگرامیداشت او بخشی از مصاحبه ای مفصلتر که چند سال قبل انجام گرفته، منتشر میکنم.

سیوان کریمی: ضمن خوشامد به این برنامه، گفتگو را از اینجا شروع کنیم شما از چه مقطعی منصور حکمت را شناختید و اگر خاطره ای از او دارید بیان کنید؟

رحمان حسین زاده: اولین آشنایی با منصور حکمت از طریق ادبیات و آثار و نوشته های او بود که در اوایل به اسم او چاپ نمی شد. نشریه بسوی سوسیالیسم اتحاد مبارزان کمونیست و دیگر نشریات این سازمان در زمستان ۱۳۵۹ به دست ما که در سازمان کومه له بودیم می رسید. ادبیات مارکسیستی روشن و بسیار غنی بود و توجه چپ ایران چه مخالف و چه موافق را به خود جلب کرده بود و در سازمان کومه له به آن سمپاتی پیدا کردیم. آنوقت در رهبری کومه له دو دیدگاه سیاسی شکل گرفته بود. یکی دیدگاه قدیمی و سنتی و شبه مائوئیستی کومه له که دیدگاه یک نامیده میشد و دیگری دیدگاه جدید و پیشرو و مارکسیستی بود که دیدگاه دونامیده می شد و عمیقا از ادبیات سازمان اتحاد مبارزان کمونیست تأثیر گرفته بود. از ادبیات آن دوره مثلا دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی، سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران، اسطوره بورژوازی ملی و مترقی، بحران رزمندگان و پوپولیسم در بن بست، فدائیان خلق چه می گویند؟ که در نشریه بسوی سوسیالیسم اتحاد مبارزان کمونیست منتشر میشدند. نشریه ای که بر فضای فکری و سیاسی چپ ایران و چپ در کردستان تأثیر گذاشت و پیش زمینه ای برای ایجاد حزب کمونیست ایران شد. خوشبختانه همه آثار آن دوره در منتخب آثار منصور حکمت منتشر شده که ضمیمه یک و دو هم دارد. این ادبیات بر کومه له تأثیر عمیق گذاشت و کنگره دوم کومه له که در فروردین ۱۳۶۰ برگزار شد از آن عمیقا تأثیر گرفت. در آن کنگره خط چپ و مارکسیسم انقلابی با هم انطباق پیدا کرده و بر اساس آن قطعه‌نامه هایی در کنگره دوم کومه له تصویب شدند. کنگره دوم خط مشی مارکسیسم انقلابی را انتخاب کرد و توجه این سازمان چپ بزرگ و توده ای و مسلح را به خود جلب کرد و قوت قلبی برای مارکسیسم انقلابی و اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت شد. این تصمیم کومه له مارکسیسم انقلابی در ایران را به شدت تقویت کرد و مسیر تلاش برای ایجاد حزب کمونیست ایران را بسیار هموار کرد. اثرات ادبیات اتحاد مبارزان کمونیست در کومه له به گونه ای بود که در مقدمه سند قطعه‌نامه های کنگره دوم از اتحاد مبارزان کمونیست قدردانی شد و نوشتند: "در پایان لازم میدانیم کوششهای ارزنده ای را که از جانب رفقای اتحاد مبارزان کمونیست در راه مبارزه با پوپولیسم و اکونومیسم و تثبیت تئوریک بینش پرولتری در جنبش کمونیستی ایران بعمل آمده و ما را نیز در طرد بینش های انحرافی مساعدت کرده است، خاطر نشان کنیم." به نقل از سند

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



را تحت عنوان "موقعیت و دورنمای حزب" مطرح کرد. اساس این مبحث از آنجا نشأت میگرفت که اولاً نقد و اعتراضی به کمونیسم آن دوره حتی جناح رادیکال آن و کلاً کمونیسم موجود در سطح جهانی بود. کمونیسمی که کم تأثیر و کم دخالتگر و کم قدرت بود و از آن جمله نقدی به خود حزب کمونیست ایران هم بود، با هر درجه از فعالیت مثبت که داشت و خود منصور حکمت رأس آن حضور داشت. کمونیسم در تحولات سیاسی، در اجتماع و در جامعه بی نقش و بی تأثیر بود. به این دلیل یکی از ضرورت های پایه ای طرح مبحث کمونیسم کارگری در جواب به بی تأثیری کمونیسم و کم قدرتی آن و تلاشی برای نشان دادن علت این بی تأثیری بود. یک محور اساسی بحثش از جدایی کارگر و کمونیسم صحبت میکرد. میگفت در دوره ما جدایی بین جنبش کارگری و جنبش کمونیستی و بین کارگر و کمونیسم وجود دارد. یعنی کمونیسمی که نمی تواند به پایه طبقاتی و به جنبش کارگری وصل شود، کمونیسم کارگری نیست. میگفت ما یک کمونیسمی می خواهیم که اساساً بر بستر رشد جنبش طبقاتی و جنبش کارگری بتواند قدرت را بدست گیرد و با آن عجزین و درگیر باشد. در دوره لنین در انقلاب کارگری اکتبر، کارگر و کمونیسم با هم چفت بودند و یکی بودند. حزب کمونیستی آن دوره عجزین شده با جنبش کارگری آن دوره بود. اما بعد از شکست انقلاب اکتبر و از دوره استالین که کمونیسم به زبان حال ناسیونالیسم در روسیه و بعداً در چین و در کشورهای دیگر تبدیل شد شکافی اساسی بین کارگر و کمونیسم افتاد. در نتیجه یکی از ضرورت های مبحث کمونیسم کارگری از این زاویه و برای پر کردن شکاف بین کارگر و کمونیسم و یکی کردن جنبش کمونیستی و جنبش کارگری در آن کنگره مطرح شد. آن مباحث مجموعه ای مباحث سیاسی و نظری و اقدامات عملی و سازمانی به دنبال داشت. جمع بندی مباحث کنگره دوم حزب کمونیست ایران بصورت چند مصاحبه در نشریه مرکزی حزب کمونیست ایران وقت خودش منتشر شدند و اکنون هم در منتخب آثار حکمت و در سایت حکمت هم وجود دارد و قابل دسترس است.

سه سال بعدتر و این بار بعد از کنگره سوم حزب کمونیست ایران این بار پخته تر، تیزتر و انتقادی تر تمایز کمونیسم کارگری را با دیگر "کمونیسم های موجود" طرح میکند. در مارس ۱۹۸۹ اولین سمینار میانی کمونیسم کارگری را به طور جامعه ارائه میکند. آن زمان شش سال از تشکیل حزب کمونیست ایران می گذشت و منصور حکمت می گوید شش سال از عمر من به عنوان کمونیست متشکل و متخریب میگذرد و می بینم در تغییر سرنوشت کارگر و جامعه بی تأثیریم و اما می بینم آخوند با داستان "خر دجال" زندگی میلیونها انسان را به خاک سیاه نشانده اند اما ما به عنوان انسانهای کمونیست بی تأثیر هستیم. باید به این بی تأثیری پایان داد. ضرورت دیگر طرح مبحث کمونیسم کارگری مشاهده اوضاع جهانی و بین المللی بود که بورژوازی هار و کنسرواتو نوع ریگان و تاچر در سطح دنیا عروج پیدا کرده بود و در مقابل، بلوک سرمایه داری دولتی شوروی که نام دروغین سوسیالیسم را یدک میکشید، در حال فروپاشی بود و ریگانیسم و تاچریسم میداناری میکردند و میبایست در مقابلش سنگربندی کمونیستی میشد. منصور حکمت مبحثی

صفحه ۸

منصور حکمت آنطور که من شناختم...

در سطح رهبری کومه له هم با علاقه از این صحبت استقبال میشود. این یک خاطره خوب از منصور حکمت و تأثیرگذاری او بود. از آن زمان زمینی و واقعی بودن و پراتیکی بودن خط مشی مارکسیستی منصور حکمت جای خود را در کومه له باز کرد. جالب است بدانید

که به دنبال این نقدهای صریح و روشن منصور حکمت، رهبری کومه له چند ماه بعد از کنگره دوم، فراخوان یک کنفرانس به اسم کنفرانس ششم کومه له را داد و برگزار شد که در آنجا قطعنامه های کنگره دوم را تصحیح کردند و اسناد دقیقی تری تصویب کردند. خود منصور حکمت به این کنفرانس دعوت شده بود، که به دلیل محدودیتها تا از تهران رسید، فکر کنم چند روزی از کنفرانس گذشته بود و متأسفانه نتوانسته بود در کنفرانس شرکت کند. اما مدتی ماند و این اولین بار بود که در شهریور ۶۰ به کردستان آمد و رهبری کومه له را ملاقات کرد و بحث و دیالوگ مفصل صورت گرفته بود. همانوقت فرصت پیش آمد حضوری هم او را ببینم. یک خاطره دیگر از نقش سیاسی او بیاد دارم که شخصاً حضور داشتم و شاهد آن بودم که در کنگره سوم کومه له در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ بود. در آن کنگره مهمانانی چون شیخ عزالدین حسینی، جلال طالبانی رئیس جمهور قبلی عراق و دبیر کل اتحاد میهنی کردستان حضور داشتند. از جمله طالبانی نظرش این بود که کومه له به سمت ایجاد حزب کمونیست ایران نرود و در این رابطه بحث و استدلال میکرد. با توجه به رابطه و نفوذ کلامی هم که بر رهبری کومه له داشت، میخواست فشار بگذارد که کومه له این جهت گیری را نداشته باشد. منصور حکمت هم آنجا حضور داشت و از جانب اتحاد مبارزان کمونیست در آن کنگره سخنرانی کرد و با بحثها و مهمتر راه حل و جهت گیری روشنی که بیان کرد، عملاً فشار سیاسی طالبانی را کم رنگ کرد. درست یادم است حکمت در سخنرانش به این اشاره کرد که این کنگره کومه له باید دو جهت گیری اساسی داشته باشد: یک جهت گیری سراسری در سطح ایران و دومی جهت گیری در سطح کردستان. جهت گیری اول که به تصویب برنامه حزب کمونیست ایران و بعداً ایجاد حزب کمونیست منجر شد. جهت گیری دوم تأکید بر نقش دخالتگرانه و رهبری کننده کومه له در جامعه کردستان و از جمله به دست گرفتن راه حل موثر رفع ستم ملی و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم کردستان تا حد جدایی. واضح بود با این بحثها هم بخشا فشار طالبانی کم رنگ شد و هم کمکی بود که رهبری کومه له مستدل این فشارهای سیاسی را پس بزند. آنجا میدیدی منصور حکمت جوان (آنوقت فکر کنم حدود سی سال سن داشت) در قامت یک سیاستمدار هوشیار کمونیست، چگونه مشکل را میشناسد و به آن جواب پراتیکی میدهد.

.....

سیوان کریمی : از مقطع کنگره دوم حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۸۶ میلادی مباحث کمونیسم کارگری مطرح شد. ضرورت این مباحث چه بود؟ تفاوت نگاه منصور حکمت به کمونیسم با نگاه متداول آن زمان در جهان به کمونیسم چه بود؟

رحمان حسین زاده: برای اولین بار در کنگره دوم حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۸۶ میلادی منصور حکمت مبحث کمونیسم کارگری

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

منصور حکمت آنطور که من شناختم...

باشی. عمده تصویر و تجربه از رهبران سیاسی اینست که رسمی و بخشا خشکند، حریمی ایجاد میکنند که نمیشود به آسانی وارد آن شد، اما واقعا به شهادی همه کسانی که با اونسشت و برخاست داشتند، منصور حکمت عکس این تصویر بود. انسانی زمینی و باز و خوش صحبت و صمیمی بود. یک تصویر دیگر از رهبران سیاسی تک بعدی و عمدتا سیاسی کارند و فقط حرف سیاسی بلند بزنند، منصور حکمت اینجوری نبود. در دیدارها و حاشیه جلسات با آن خوش مشربی در مورد انواع مسایل اجتماعی، موزیک و فیلم و ورزش و ... صحبت پیش میامد و صحبت میکرد و طبعاً زبان طنز شیرین و جذابش و خنده و شوخی هم جزو ثابت صحبتهاش بود. او نه تنها در زمینه تئوری و سیاسی بلکه در زمینه های مختلف دیگر ابعاد زندگی و مسائل اجتماعی بسیار مستعد و خلاق بود. به لحاظ فیزیکی هم انسان کارکن و کاری بود. در این مورد یک مثال بزنم. یکبار در منزل آنها بودیم و کاری پیش آمد به انبارشان در یک زیر زمین بود رفتیم. چیزی که توجه ام را جلب کرد، با یک انبار تقریباً بزرگ که پر بود، از وسایل نجاری و مکانیکی و لوله کشی و ... و قطعات عوض شده ماشین و میز و صندلی عوض شده و درو پنجره کهنه. پرسیدم اینها چییه؟ گفت این وسایل کار است که با آنها کار میکنم و تعمیرات لازم ماشین و منزل و ... را با آنها انجام میدهم.

تواضع و فروتنی در تمام شخصیت او بود. به شدت انسان برابری طلبی بود و از تبعیض و نابرابری نفرت داشت. مناسبات نابرابر را تحمل نمیکرد. مواردی شاهد بودم، رفقای که اولین بار او رامیدیدند، به نوعی با کم اعتماد بنفسی و خود را دست کم گرفتن در مقابلش ظاهر میشدند، از این حالت خیلی بدش میامد و تذکر میداد و سعی میکرد رفیقمان رفتار برابر با او داشته باشد و خود را دست کم نگیرد. یک جنبه اساسی و مهم، انسانی کنجکاو، پرتوقع و نقاد وضع موجود بود. به کم راضی نمیشد. حتی در عرصه کار حزبی هم با وجود پیشرویهایی زیاد مداوما نقاد وضع جنبش و حزبمان بود و راه نشان میداد. برای مثال ما کنگره سوم حزب کمونیست کارگری را اولین بار علنی برگزار کردیم و حزب را خیلی برجسته کرد و بعدا کارهای مهمی هم انجام داده بودیم، شش ماه بعد در پلنوم چهاردهم حزب با انتقاد تیز کمونیستی گفت درجا زدیم. تغییر و تحول ایجاد کردن جزء خصوصیت و کاراکتر او بود. در عین حال انسان گرایی عمیقی در سیستم فکری و کمونیسم او موج می زد. به عنوان مثال مباحث او درباره حقوق کودک و سقط جنین اوج انسان گرایی کمونیستی اوست. او بسیار صریح و صمیمی بود و انتظار داشت رفقا کمبودها و ایرادها و نقد را با صراحت بیان کنند، خودش همین کار را میکرد. نمیخواهم تصویر ایده آلیزه ای از او ارائه کنم، منصور حکمت هم اشکالات و کمبود در کارش بود مثلاً بعضی وقتها نوعی عجولگی و بی تابی در کارها از خود نشان میداد که گاهی به شتابزگی در تصمیم گیری تبدیل شده و جای نقد بود و نقد میکردیم. به انتقادات گوش می داد و جایی که نقد وارد بود، توجیه نمیکرد و نمی پیچاند و آنرا قبول می کرد و جایی که نقد وارد نبود جانبدارانه و روشن و دقیق بحث می کرد و جواب میداد و قبول نمیکرد. تعارف نمیکرد. و نهایتاً انصاف در قضاوت و قانع کردن ابزار مهم او در فعالیت سیاسی و حزبی و حتی مناسبات رفیقانه و شخصی بود.

را به اسم اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسم در نوامبر ۱۹۸۸ سه سال قبل از فروپاشی شرق و بعدا در کنگره سوم حزب کمونیست ایران مطرح کرد و در آن پیش بینی می کند که اردوگاه به اصطلاح سوسیالیستی شوروی و همه اقمار آن فرو می پاشد و تمام می شود و این مجالی برای بورژوازی هار بازار آزاد است تا تعرض وسیعی به بشریت و انسانیت و حق طلبی در عرصه سیاست و معیشت و فرهنگ داشته باشد و عقب گردی را به جامعه تحمیل کند. در این شرایط باید سنگربندی کرد و منصور حکمت در این راستا عنوان کرد که این اردوگاه دروغین "سوسیالیستی" که هیچ وقت سوسیالیسم نبوده و ما از آن دفاع نکرده ایم، اما زمانیکه بورژوازی هار بازار آزادی آن را فرو می پاشند و آن را به انتها می رسانند، این دستمایه تعرض وسیع به طبقه کارگر جهانی و به انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی میشود. در نتیجه با کاراکتر کمونیسم دوره انقلاب ۵۷ و با مارکسیسم انقلابی و با اشل کوچک نمی توان سنگربندی محکم در مقابل این هجوم بزرگ بورژوازی داشت و یک کمونیسم بالنده تر و سرزنده تر و قدرتمند تر و جوابگوتر لازم است. کمونیسم کارگری با افق جهانی وسیعش و با ترسیم تفاوتها و تمایزش با کمونیسم بورژوایی جهانی و شاخه های آن در آن زمان جوابی روشن بر مبنای دیدن اوضاع و شرایط آن زمان و دیدن فروپاشی اردوگاه دروغین سوسیالیستی و پیامدهایش و تلاش برای سر برآوردن کمونیسم دخالتگر و موثر بود. منصور حکمت در تعریف کمونیسم کارگری می گفت این همان کمونیسم مارکس و مانیفست است. بعد از شکست انقلاب اکتبر و از دوره عروج استالین به بعد، پدیده سوسیالیسم به روپوش ایدئولوژیک و سیاسی ناسیونالیسم روسی و چینی و آلبانی و ... تبدیل شد. همه آنها ذره ای به منفعت طبقه کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی ربط نداشتند. در نتیجه کمونیسم کارگری منصور حکمت در آن دوره تلاشی بود با جوابهای جدید در تمایز و تفاوت کامل با شاخه های مختلف و دروغین سوسیالیسم بورژوازی که سوسیالیسم روسی و چینی و آلبانی و اروکمونیسم و تروتسکیسم و چپ نو و پوپولیستی و ... را در بر میگرفت. مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری با همه اینها تفاوت و تمایز پایه ای داشت. حکمت کمونیسم کارگری را درست همانند مانیفست کمونیست جنبش اعتراض کارگر به نظم سرمایه و علیه کار مزدی تاکید میکرد. این در حالی است که بسیاری از سوسیالیست های دیگر مباحث خلق و امپریالیسم و ناسیونالیسم و پوپولیسم برایشان مطرح است که در آن دوره لباس کمونیسم را بر خود پوشانده بودند. کمونیسم کارگری که منصور حکمت آنرا بنیان نهاد در تمام زمینه ها و در افق و سیاست و پراتیک و در حزب هم با کمونیسم جهانی آنزمان موجود و هم با شاخه های محلی آن در ایران تفاوت اساسی داشت.

سیوان کریمی: به عنوان سؤال پایانی شما سالهای زیادی با منصور حکمت از نزدیک کار سیاسی و حزبی داشتید، علاوه بر تجارب کار سیاسی و تشکیلاتی، چه جنبه هایی از کاراکتر شخصی او مورد توجه ات بود؟

رحمان حسین زاده: منصور حکمت بسیار خوش مشرب، انسان باز و رلکسی بود. به شدت شوخ طبع و اهل طنز و جوک و فضای شاد و مدرن بود. این یک جنبه گیرا در فضای جلسات و دیدارها با او بود. در اولین دیدار و بعد از چند دقیقه میتوانستی فضای صمیمی با او داشته

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۵ تیرماه،

"نه" قاطع تر به کل نظام!

۸ تیرماه روز شکست فاحش دیگری برای جمهوری اسلامی و سیرک انتخاباتی اش بود. در این نمایش فریب، علیرغم تلاش کل باندهای آدمکش حکومتی از خامنه ای تا روحانی و خاتمی، اکثریت قاطع واجدین رای با عدم شرکت به ننگ جمهوری اسلامی "نه" گفتند. بار دیگر روشن شد که در جامعه بشدت قطبی ایران نمیتوان با سرمایه گذاری روی ترس و گروکشی به عقب برگشت. دوره عوض شده است و سرنگونی نظام حرف قاطبه مردم کارگر و زحمتکش و آزادیخواه ایران است.

کارگران، زنان و مردان آزاده، نسل جوان انقلابی!

روز جمعه ۱۵ تیرماه، در دور دوم "انتخاب" میان جنایتکاران اسلامی، با "نه" قاطع تر به کل نظام، شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی و خامنه ای را تثبیت کنیم. علیه دو قطبی کاذب جلیلی- پزشکیان، علیه منطق "انتخاب بین بد و بدتر" موکداً بایستیم! علیه تبلیغات اصلاح طلبان جنایتکار که عوافریبانه ایران را با فرانسه و "خطر فاشیسم" مقایسه میکنند قاطعانه بایستیم. در ایران فاشیسم اسلامی حکومت میکند. هر رای با هر توجیهی رای به نظام جنایت و زن ستیزی و استبداد و استثمار است. نقشه باندهای اسلامی برای کسب مشروعیت فرمال حقوقی رژیم اسلامی را شکست دهیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست جامعه انقلابی ایران را به یک "نه" قاطع تر به سیرک انتخاباتی حکومت اسلامی و بر زمین کوبیدن رژیم در زمین خودش فرامیخواند. "انتخابات" رژیم زمین بازی ما اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم نیست، اما با دخالت فعال برای بسیج نیروی قاطع تری در "نه" گفتن به این معرکه گیری اسلامی، شرایط را برای برآمد انقلابی دیگر و سرنگونی تمامیت حکومت فقر و فلاکت سرمایه داران مهیا کنیم. شعار روز اینست: مرگ بر کل نظام!

رای ما سرنگونی رژیم آپارتاید و استثمار و استبداد است!
پیش بسوی انقلاب علیه وضع موجود!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۱۰ تیر ۱۴۰۳ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

انتخاب ما سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی	انتخاب ما سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی	انتخاب ما سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی
"نه" قاطع تر به رژیم اسلامی	"نه" قاطع تر به رژیم اسلامی	"نه" قاطع تر به رژیم اسلامی
مضحکه انتخابات رژیم در خارج کشور را برچینیم!	مضحکه انتخابات رژیم در خارج کشور را برچینیم!	مضحکه انتخابات رژیم در خارج کشور را برچینیم!
جمعه ۵ ژوئیه ۲۰۲۴ ساعت ۹ صبح	جمعه ۵ ژوئیه ۲۰۲۴ ساعت ۸ صبح	جمعه ۵ ژوئیه ۲۰۲۴ ساعت ۱۴
Address: 50 Kensington Ct, London W8 5DD نزدیکترین ایستگاه قطار: High Street Kensington	Kviberg marknad Tyghusvägen 4 یونوبوری	استکهلم، مقابل سفارت رژیم اسلامی
لندن، مقابل کنسولگری رژیم اسلامی		
		
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - بریتانیا	تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - یونوبوری	تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - استکهلم
		

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



سرنگونی جمهوری اسلامی در روز ۸ تیرماه ۱۴۰۳ جمهوری اسلامی را با بزرگ‌ترین شکست تاریخ حیات ننگینش روبرو کرد.

به گفته رسانه‌ها و مقامات جمهوری اسلامی میزان مشارکت در مضحکه انتخابات چیزی حدود ۴۰ درصد بوده است.

همه میدانند که ارقامی که جمهوری اسلامی همیشه اعلام کرده بر حسب چندین ساله حاصل ضرب چند برابر ارقام واقعی است. بر اساس گفته تعدادی از فعالین معلم داخل کشور و بررسی تعداد واقعی مشارکت مردم ۲۵ درصد و به گفته عده دیگری از فعالین کارگری این رقم چیزی بین ۸ الی ۱۵ درصد می‌باشد.

صندوق‌های رای گیری حکومت اسلامی نه تنها در داخل بلکه در خارج کشور نیز با اعتراض رادیکال بخصوص طیف چپ و کمونیست روبرو شد و جواب دندان شکنی از سخنرانان و اکتیویست‌های حاضر در صحنه گرفت. امسال شاهد سخنرانی بازماندگان خیزش آبان ۹۸ و آسیب دیدگان انقلابی خیزش شهریور ۱۴۰۱ علیه مضحکه انتخاباتی بودیم.

جمهوری اسلامی و مزدورانش علی‌رغم پخش آگهی و سازماندهی تعدادی مزدور در خارج کشور نتوانست مردم عادی را به پای صندوق‌های رای بکشاند.

نکته جالب اینجا بود که استکهلم، گوتنبرگ، لندن و فرانکفورت اکثر شرکت‌کنندگان در سیرک انتخابات رژیم اسلامی از طیف مزدوران سازماندهی شده با چهره‌هایی مشخص بودند که برای رژیم اسلامی کار میکنند. شاید فقط یک درصد طرفدار جناحی همچون اصلاح طلبی در خارج کشور بدون سازماندهی شرکت کرده بودند.

علی‌رغم تمامی این تلاش‌ها جمهوری اسلامی با شکست بزرگ عمر ننگین خود، دو نامزد مضحکه گردان خود (جلیلی و پزشکیان) را به دور دوم کشاند تا در ۱۵ تیرماه به هم پیمانان و مماشاتگران و دولت‌های بورژوازی غربی وانمود کند که هنوز سیستم غیر مشروع اش برای بخشی از جامعه مشروعیت دارد. دروغی بزرگ که فقط در بین همان سازمانهای دست ساخت سرمایه داری جهانی که برای رئیسی جلال پیام تسلیت میفرستند و مراسم ختم برگزار می‌کنند خریدار دارد.

قطعا جمهوری اسلامی جواب قاطع جامعه را در ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ می‌گیرد و آن چیزی جز "رای به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی" نیست.

آنچه در دوره کنونی مهم است، اینست که جمهوری اسلامی بار دیگر جواب قاطعی از سرنگونی طلبی گرفت و مبارزات در کف خیابان با توجه به فقر، فساد، گرانی، زندگی چند برابر زیر خط فقر و فضای سرکوب، زندان و احکام صادره برای فعالین ادامه خواهد داشت.

پس از این مضحکه انتخاباتی با هر نتیجه‌ای، مسئله مهم تقویت تشکل‌های طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه و همچنین بخش‌های مختلف جنبش‌های اجتماعی در سطح وسیع و سراسری با دخالت فعالین چپ و کمونیست و تشدید مبارزه طبقاتی در این عرصه‌های مهم مبارزاتی است که میتواند در در دوره آتی تحولات و خیزش‌های محتمل پیش رو فضا را برای گام‌های بعدی جهت

شکست تاریخی جمهوری اسلامی در مضحکه انتخابات ۱۴۰۳؛ گام بعدی چیست؟

امیر عسگری

جمهوری اسلامی در پی کشته شدن ابراهیم رئیسی مجبور به برگزاری زودهنگام مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در ۸ تیرماه شد. بار دیگر حکومت اسلامی نمایش قلابی جناح تراشی از کاندیداهایی کرد که در اصل به یک درجه مرتجع و مجری اقدامات جنایتکارانه رژیم اسلامی در چهار دهه گذشته بودند. همزمان با آغاز این جناح تراشی کاذب بی‌بی‌سی و رسانه‌های راست از پزشک‌های بعنوان کاندید منتقد و اصلاح طلب نام برده و تبلیغ کردند و عده‌ای مانند فرخ نگهدار و رامین پرهام مردم را به انتخاب بین بد و بدتر دعوت کردند. تبلیغاتی که نه تنها نخ نما شده بلکه تاریخ مصرف آن سال ۹۶ گذشته است با جواب روشن از سوی جامعه‌ای که خیزش‌های ۹۸ و خیزش انقلابی ۱۴۰۱ را پشت سر گذاشته، داده شد.

لازم به ذکر است همین تبلیغ پوشالی و تماما دروغ از چهره مسعود پزشکیان توسط فعالین چپ داخل افشا شد.

جهت اطلاع عده‌ای که شاید اطلاع دقیقی از گذشته مسعود پزشکیان ندارند، پزشکیان همان دانشجوی خط امام دانشگاه علوم پزشکی تبریز بود که در دوره انقلاب فرهنگی دست به سرکوب نیروهای چپ و کمونیست دانشگاه تبریز را همراه با گله‌های حزب اللهی را بر عهده داشت. همین موضوع ابتدا توسط فعالین داخل و سپس در چند روز گذشته وسیعا در سطح رسانه‌های بستر اصلی پخش و افشا شد.

قطعا پزشکیان و یا هر آلترناتیو دست ساخت حکومت اسلامی برای مضحکه اسلامی اش هم جنس بوده و از این روست در چند هفته گذشته مورد مقابله و نقد شدید جامعه‌ای قرار گرفت که برآمد انقلابی خیزش شهریور ۱۴۰۱ را پشت سر گذاشته است.

در دو هفته منتهی به دور اول انتخابات ۵۲۰ معلم از طیف‌های مختلف سیاسی با صدور بیانیه‌ای بطور قطعی اعلام کردند که در مضحکه انتخابات رژیم اسلامی شرکت نخواهند کرد. فعالین و رهبران کارگری علنا اعلام کردند در این مضحکه انتخاباتی شرکت نخواهند کرد. علی‌رغم نمایش طیف مزدور تشکل‌های عدالتخواه و امثال حنیفر در هفت تپه شورای کارگران هفت تپه اعلام کرد که در مضحکه انتخابات شرکت نخواهند کرد. دانشجویان مختلف از دانشگاه تهران تا اصفهان طی صدور بیانیه و اعلام مواضع و یادداشت‌های مختلف اعلام کردند جوابشان به این مضحکه یک "نه" بزرگ است. جوانان انقلابی در شهر سقز بنرهای انتخاباتی نامزدهای انتخاباتی را به آتش کشیدند. در سطح شهرهایی مانند تهران پوستره‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی پاره شدند. در همین برهه اعتصاب کارگران پیمانی نفت و گاز آغاز شد که هر چند با پایه‌های معیشتی آغاز شده بود ولی جوابی روشن به ناکارآمد بودن سیستم مفت خور سرمایه داری حاکم و بی‌فایده بودن تبلیغات و تقلب‌های رژیم را به صورت حکومت اسلامی زدند.

تمامی این اعتراضات و افشاگری‌های مختلف توسط فعالین خواهان

لمپنیسم هواداران سلطنت در روز اعتراض به

انتخابات در لندن

سعید آرمان

در روز اعتراض به مضحکه انتخابات آنچه توجه همه را به خود جلب می کرد لمپنیسم و فحش و ناسزا گویی لمپنهای مدافع سلطنت به رای دهندگان و و بیشتر از آنان به کمونیستها بود. نحوه رفتار وحوش سلطنت طلب و الفاظ رکیک و زنده آنان و تهدیدات به مرگ و قتل مخالفین بیانگر دفاع سرسخت آنان از جلاخان ساواک و شعبان بی مخ های مدافع سلطنت می باشد. آنان به رای دهندگان ضمن ناسزا حمله فیزیکی میکردند و در صورت عدم دخالت پلیس ظرفیت های بیشتری از لمپنیسم و درگیری فیزیکی را از خود نشان میدادند.

حساسیت و خصومت غیر قابل وصف چماقداران رضا پهلوی به انقلابیون ۱۳۵۷ و شعار آزادی و برابری. هر لحظه که نیروهای چپ با صدای رسا شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری، سر میدادند موجی از رکیک ترین الفاظ و لجن از دهانشان جاری می شد. آنان به عینی ما را تهدید به کشتن می کردند، کاری که رضاخان و محمد رضا پهلوی با مخالفین سیاسی حکومتشان بوسیله ساواک و رکن ۲ ارتش انجام میدادند.

این جمع مزاحم و بشدت مضر برای مدنیت جامعه و تحولاتی سیاسی آتی ایران باید طرد و رسوا شوند تا جامعه از افکار مسموم اشان مصون بماند. اخیرا جناب هوشنگ امیر احمدی استاد دانشگاه در آمریکا در اوج وقاحت و بی شرمی به گفته خودش "تنها راه نجات ایران در آینده نزدیک را یک جنبش فاشیستی وطن پرستانه ایرانی" می بیند. این شارلاتان سیاسی که سالها مشاور خودخوانده خامنه ای و لابی گر جمهوری اسلامی در آمریکا بود و به کرات خود را برای ریاست جمهوری نام نویسی می کرد و رد صلاحیت میشد، امید داشت زیر بیرق اسلام سیاسی به ریاست جمهوری برسد. اکنون بعد از نا امیدی از جمهوری اسلامی در جای گرم نشسته و نسخه یوگسلاویزه شدن جامعه ایران را می پیچد و جوانان را به سمت عرق ملی و برپایی حمام خون در ایران سوق میدهد. اینان تبهکاران سیاسی بیش نیستند و باید با حساسیت به آنان برخورد کرد و جامعه را نسبت به عواقب خطرناک اهداف ضد انسانی چنین شارلاتانهای سیاسی آگاه نمود.

۴ ژوئیه ۲۰۲۴

شکست تاریخی جمهوری اسلامی در

مضحکه انتخابات ۱۴۰۳؛ گام بعدی

چیست؟

امیر عسگری

کشاندن جمهوری اسلامی به پرتگاه سرنگونی انقلابی فراهم کند. در دوره کنونی تصمیمات درست و اقدامات به موقع فعالین و رهبران سوسیالیست طبقه کارگر و همچنین احزاب کمونیستی که خود را بخشی از طبقه کارگر جامعه می دانند حائز اهمیت صد چندان می شود.

آنچه در این دوره حائز اهمیت است، اقدامات و تصمیمات درست در جنبش های طبقاتی بخصوص طبقه کارگر در اعتصابات و اعتراضاتی است که در جریان است. برگزاری مجامع عمومی و تقویت جنبش مجامع عمومی در این اعتصابات، سازمان یابی و تقویت جنبش سراسری رادیکال معلمان، حاشیه ای کردن خط مذاکره طلب و پرو رژیم در این بخش و رادیکالیزه تر کردن تشکل های مختلف کارگری و طبقاتی و مزدبگیران در سطح وسیع جامعه با اتکا به تجربیات سال های اخیر و همچنین سازماندهی عملی جنبش هایی مانند جنبش دانشجویی که بخش مهمی از روند انقلابی خیزش شهریور ۱۴۰۱ بودند در قالب تشکل های مستقل و شوراهای مستقل مراکز آموزشی و دانشگاه ها است.

آنچه پیش روی طبقه کارگر واقشارتهیدست، زنان و جوانان سرنگونی طلب با جمهوری اسلامی است، جدال حاد و متقابل برای بقا و سرنگونی انقلابی است.

۱۴ تیر ۱۴۰۳



Parlow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،
سیمبل ریت: ۳۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>www.hekmat.com

در یک نگاه!



حتی در صفوف شکننده مزدوران جمهوری اسلامی هم وارونه گویی آخوندی به شدت آبروباخته است. به همین دلیل و در همین سخنان اخیر با سیمای شکست دیده و برافروخته و سراسیمه به التماس مردم میرود که بلکه در "مرحله دوم" مضحکه انتخابات پای صندوق گردانی جمهوری اسلامی حاضر شوند.

واقعیت اینست خامنه ای و همه سرکردگان سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی به خوبی متوجه هستند که اکثریت عظیم و قاطع مردم ایران سالها است از جمهوری اسلامی عبور کرده و اعلام کرده اند که رای آنها سرنگونی جمهوری اسلامی است. خدعه بازی خامنه ای و دیگر نمایشات و مانورها و اعمال فشارها و جست و خیزهای ستادهای جانیانی چون پزشکین و جلیلی در اینروزها به داد جمهوری اسلامی نمیرسد. تحرک بالای کل دم و دستگاه نظامی و اداری و مذهبی جمهوری اسلامی برای داغ کردن بساط معرکه گیری صندوق چرخانی در روزهای اخیر خدشه ای بر اراده قاطع مردم ایران برای جارو کردن جمهوری اسلامی وارد نمیکند. خیزشهای پرشور دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و تداوم اعتراضات و اعتصابات جاری کارگری و توده ای فرازهای درخشان پروسه سرنگونی جمهوراسلامی است. عدم شرکت عظیم مردم در بساط "انتخابات" دوره اخیر خود یکی از نتایج خیزشهای انقلابی و توده ای یک دهه اخیر است.

شکست، خدعه و سر در گمی خامنه ای!

رحمان حسین زاده

عاقبت خامنه ای به حرف درآمد. با چند روز تأخیر به شکست نظامشان در دور اول مضحکه صندوق گردانی تعیین جانشین رئیسی اذعان کرد. همگان اعتراف به شکست شرمگینانه او را شنیدند. چهره ذبون سرخ شده و سراسیمه او را مشاهده کردند. به رسم معمول آخوندی دروغ گفت و بیهوده تلاش کرد، ابواب جمعی و اجیرشدگان نظامش را دلداری دهد که "عدم شرکت اکثریت عظیم مردم به معنای مخالفت با حکومتشان نیست!!؟؟". دروغ گویی آخوندها بنا به مصلحت "اسلام و نظام" نه روشی مقطعی و موردی و تاکتیکی بلکه جزو اصول پایه ای "دین اسلامشان" با اسم و رسم "خدعه" است. خامنه ای از "امام راحلشان" بارها و بارها اذعان به "خدعه های متعدد" را بیاد دارد که در موارد زیادی به تحمیل و ادامه بقای "نظام" و ایجاد تباهی و رنج و درد و سرکوب بر مردم ایران ترجمه شد.

خامنه ای به وضوح متوجه است عدم شرکت اکثریت عظیم مردم در مضحکه انتخابات دقیقا در ضدیت با جمهوری اسلامی و شخص خودش در موقعیت رهبری این نظام سراپا جنایت بار است. اما "مصلحت ادامه بقای نظام" حکم میکند "خدعه" کند. یعنی واقعیت غیرقابل انکار را نه تنها انکار بلکه درست برعکس جلوه دهد. اینکار را عامدانه و آگاهانه انجام میدهد. بدیختی و بدشانسی خامنه ای آنجا است در مقطعی مجددا به "خدعه" پنا برده که نه تنها در میان مردم،

انتخاب مردم

سرنگونی

انقلابی رژیم

اسلامی

مرگ بر

جمهوری اسلامی

زنده باد

آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

08:27

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

با هماهنگی با شورای "همبستگی با انقلاب زن زندگی آزادی" و مسئول برگزاری تجمع نیروهای چپ مختلف ایرانی فعالین حزب حکمتیست در این تجمع شرکت کردند.

فعالین حزب در این اعتراض با پلاکاردهای حزب در اعتراض به مضحکه انتخابات در این اعتراض شرکت داشتند. در این اعتراض ضمن سخنرانی و افشای جنایات جمهوری اسلامی و مضحکه انتخابات مجزا علیه مزدوران شرکت کننده در سیرک انتخاباتی شعارهایی سرداده شده و از چهره عده ای از مزدوران فیلمبرداری و افشا شدند. در این تجمع امیر عسگری از طرف کمیته آلمان حزب حکمتیست در پلاتفرم شورای فرانکفورت سخنرانی کرد. در این تظاهرات که متشکل از گروه‌های مختلف شامل فعالین حزب حکمتیست، حزب کمونیست کارگری و فعالین علیه اعدام بود، عرفان رامزی پور(آسیب دیده چشمی) و همچنین رامین رمضان زاده دو آسیب دیده خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ و کامیاب محمدی بازمانده و مجروح خیزش آبان ۹۸ نیز سخنرانی کردند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

۴ ژوئیه ۲۰۲۴



گزارش شرکت فعالین حزب حکمتیست در

تجمعات علیه مضحکه انتخابات در خارج کور

گونبرگ سوئد: کادرها و فعالین و دوستدارحزب همراه با سایر احزاب و سازمانها و فعالین سیاسی از ساعت ۸ صبح تا غروب دهها نفر علیه مضحکه انتخابات در مقابل محل اخذ رای تجمع کردند، در طول ساعتها حضور در محل اخذ رای به دادن شعار و سخنرانی پرداختند. محل صندوق سوت و کور تا غروب کمتر از ۱۰۰ نفر به آن مراجعه کرده اند.

اسلو: فعالین حزب در اسلو پایتخت نروژ همراه با سایر جریانات سیاسی در مقابل محل اخذ رای تجمع کرده و علیه مضحکه انتخابات شعار داده و سخنرانی کردند. در نروژ نیز محل انتخابات همچون سایر کشورها خلوت بود.

بریتانیا: لندن

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست همراست با شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران و همبستگی با مبارزات مردم ایران و کارزار علیه اعدام اقدام به تجمع در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی از ساعت ۹ صبح تا نزدیک به ۴ بعد از ظهر به شعار و سخنرانی پرداخته و خطاب به رای دهندگان با صدای بلند می گفتند "رای دهنده شرمت باد"، "رای دهنده ننگت باد"، آنچه واضح بود رژیم برای جلوگیری از رخوت در محل صندوق به برخی از مراجعین ویزا و پاسپورت و "خدمات" کنسولی قرار ملاقات گذاشته بودند که با مراجعه بهکنسولگری متوجه ترفند آنان شده و انگشت خود را رنگی نکرده اند. در حین تجمع اعتراضی در لندن رسانه ها با رفا هلاله طاهری و سعید آرمان مصاحبه کردند.

آلمان

تجمع ۸ تیرماه ۱۴۰۱ فرانکفورت مقابل کنسولگری

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲

پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰

رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹

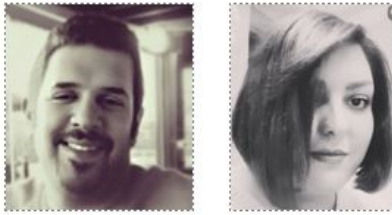
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - حکمت

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

اعدام قتل عمد دولتی است!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

حکم بی شرمانه دادگاه کذایی رشت!

روز پنج‌شنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۳ شعبه اول دادگاه کذایی رشت، شریفه محمدی فعال کارگری و مدنی را با اتهام "بغی" محاکمه و به اعدام محکوم کرد.

ما در برنامه جامعه و کارگران، ضمن محکوم کردن حکم بی شرمانه اعدام شریفه محمدی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او هستیم!

سناریو سازی برای کارگر بازداشت شده شریفه محمدی و اتهام واهی "بغی" علیه او را بشدت محکوم میکنیم.

شریفه محمدی فعال کارگری رشت با اتهام کاملا واهی "بغی" مواجه شده است. در کذب محض و شرم آور بودن این اتهام شکی نیست. یک فعال کارگری و مدنی مستقل و شناخته شده را بدون کوچکترین وقاهتی با اتهام سنگینی روبرو کرده اند که خودشان هم میدانند از ذره ای حقیقت برخوردار نیست.

شریفه محمدی در تاریخ ۱۴ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شد و به مدت چند ماه در سلول انفرادی نگه داشته شد. طبق گزارشات موجود از جمله منتشر شده در کانال کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بدنبال بازداشت، شریفه محمدی برای مدت طولانی تحت فشارهای جسمی و روانی شدید برای اخذ اعترافات علیه خود بود. او تا مدتها از ملاقات با خانواده ی خود، به ویژه فرزند خردسالش، محروم بوده و برای مدت طولانی اجازه ی تماس تلفنی با خانواده را نداشته است. از دیگر سو فشارهای جسمی و بد رفتاری های مکرر با شریفه از سوی وزارت اطلاعات به حدی بود که شاید به خاطر ترس از به خطر افتادن جان شریفه منجر به اعتراض مسئولین زندان نسبت به ضرب و شتم او شد. پس از اعتراض مسئولین زندان به شکنجه شریفه، او امکان ثبت شکایت را پیدا کرد. اکنون مشخص گردیده که شریفه محمدی در این مدت حداقل دو بار به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اذیت و آزار و سناریوسازیهای کذایی که بارها علیه اعضای سندیکا نیز با عنوانهای مختلف بکار برده شده است را بشدت محکوم میکنم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگر زندانی شریفه محمدی می باشد.

شریفه محمدی، کارگر زندانی، آزاد باید گردد!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۲ تیر ۱۴۰۳

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث نفت و گاز مناطق جنوبی ایران.

چهارشنبه ۱۳ تیرماه،

این کارگران، خواستار حذف پیمانکار، تغییر ساعات کار(با در نظر گرفتن گرمای غیرقابل تحمل هوا) با توضیح اینکه خواستار ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت هستند و رفع مشکلات اقتصادی و صنفی خود هستند.

تداوم اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای در بیش از ۱۱۵ شرکت نفت و گاز

تا روز یکشنبه ۱۰ تیر اعتصاب کارگران پروژه ای وارد یازدهمین روز خود شد. افزایش حقوق ها مطابق خواست اعلام شده کارگران، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبات فوری کارگران پروژه ای است. اما سایر مطالبات کاری و معیشتی این کارگران نیز همچنان بی پاسخ مانده و پیگیر آنها نیز هستند. پیمانکاران تلاش بسیاری کرده اند که اعتصاب را عقب بزنند و نیروی کار جدید وارد کنند، اما موفق نشده اند

کارگران پروژه‌های نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه به اعتصابات سراسری کمپین ۱۴/۱۴ ملحق شدند. (ویدئو)

عدم پرداخت حقوقی کارگران کارخانه کیش چوب

سه ماه حقوق و بیمه بیش از ۱۲۰ کارگر قرارداد مستقیم کارخانه کیش چوب واقع در جزیره کیش در استان هرمزگان پرداخت نشده است. شرکت کیش چوب کمبود نقدینگی را عامل تاخیر ذکر کرده است. کارگران که اغلب آنها بدور از خانواده هایشان در جزیره کیش زندگی می کنند از لحاظ معیشتی و درمانی دچار مشقت شده و به تنگنا افتاده اند.

اخراج جمعی از کارگران شرکت فولاد

شماری از کارگران شرکت فولاد اهواز که چهار ماه به دلیل وضعیت نامساعد معیشتی و با درخواست افزایش حقوق خود، تجمعات اعتراضی برگزار کرده بودند از کار اخراج شدند.

پرونده سازی امنیتی علیه کارگران معترض کارخانه کربنات سدیم فیروزآباد

رئیس و موسس شرکت کربنات سدیم کاوه شهرستان فیروزآباد برای پیشگیری از ادامه اعتصابات، در نامه‌ای به استانداری فارس و فرمانداری این شهرستان، کارگران معترض این شرکت را به "حمل سلاح" متهم کرده است.

ابراهیم عسگریان در این نامه از اصطلاح "اغتشاش"، برای اشاره به اعتصاب کارگران استفاده کرده و خواهان تحت پیگرد قرار دادن کارگران فعال این شرکت شده است. همچنین، وی با توجیه "ناامن شدن محیط شرکت" اقدام به تعطیلی آن کرده و شروع مجدد خط تولید را به مجازات کارگران اعتصابی، مشروط کرده است. کارگران شاغل در شرکت کربنات سدیم کاوه فیروزآباد، از یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۳، در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود دست به اعتصاب دسته جمعی زدند. آن‌ها پس از بی‌نتیجه ماندن وعده‌های مسئولان، از یازدهم تیرماه بار دیگر اعتصاب خود را از سر گرفتند.

این کارگران می‌گویند که با وجود اینکه کار آن‌ها به دلیل تماس مداوم با مواد شیمیایی جزو مشاغل پرخطر محسوب می‌شود، اما در مقابل حقوق و مزایای آن‌ها بسیار ناچیز است.

اعتراض کارگران مخابرات به پرداخت نشدن حقوق

"شورای عالی هماهنگی تشکل های کارگری مخابرات ایران" در بیانیه ای به پرداخت نشدن یا دیرکرد پرداخت حقوق کارگران

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی...

براساس این گزارش‌ها، سام حاجیان از پیروان آئین یارسان بود و به دلیل برخورد مناسب با مراجعان از محبوبیت خاصی برخوردار بود؛ به همین دلیل مرگ او افکار عمومی شهر را جریحه‌دار کرد.

او ساعاتی قبل از مرگ با انتشار استوری در شبکه اجتماعی تلگرام و ارسال پیام به برخی دوستانش، تلویحاً تصمیم خود به انجام خودکشی را اعلام کرده بود اما هیچ اقدامی برای جلوگیری از این حادثه انجام نگرفت.

در سال‌های اخیر اقدام به خودکشی در بین اقشار مختلف، به‌ویژه جوانان و کادر درمان در ایران به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام محمد حبیبی برگزار شد

روز شنبه نهم تیرماه، جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران در شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان شهریار برگزار شد.

رامین صفرنیا وکیل مدافع آقای حبیبی ضمن اعلام این خبر در صفحه شخصی خود نوشت: "امروز جلسه رسیدگی به پرونده موکلم محمد حبیبی در شعبه دوم دادگاه انقلاب شهریار برگزار شد و اتهام اجتماع تبانی به تبلیغ علیه نظام تغییر کرد. آقای حبیبی و بنده در رد اتهام وارده دفاعیات را ارائه نمودیم. این پرونده در خصوص بازداشت موکلم در سال ۱۴۰۲ تشکیل شده است."

احضار مجدد اسماعیل گرامی به دادگاه کیفری شعبه ۱۰۲۷ دو قدوسی تهران

اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته و پیگیر مطالبات بازنشستگان که در بهار ۱۴۰۰ بازداشت و به مدت دو سال در زندانهای تهران بزرگ، اوین و رجایی دوران حبس خود را سپری کرد و در بهمن ۱۴۰۱ آزاد شد، اکنون نیز با همان اتهام و صدور کیفرخواست از سوی شعبه سوم ناحیه ۳۳ شهید مقدس باید در تاریخ ۱۴۰۳/۴/۱۶ در شعبه ۱۰۲۷ مجتمع قضایی قدوسی تهران حضور یابد.

عاطفه رنگریز، فعال حقوق زنان را پس از احضار به دادگاه بازداشت کردند

در تداوم اذیت و آزار و پرونده‌سازی علیه فعالان مدنی عاطفه رنگریز، فعال حقوق زنان شنبه ۹ تیر، پس از مراجعه به شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب دامغان بازداشت شد. پیش از این دستگاه قضایی حکومت علیه عاطفه رنگریز پرونده جدیدی را با اتهامات "تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب در جهت تشویش اذهان عمومی و تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت ملی" گشوده است. در ابلاغیه صادر شده از سوی شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب دامغان به عاطفه رنگریز مهلت پنج روز داده شده تا خود را به شعبه مذکور معرفی کند در غیر این صورت با حکم جلب مواجه خواهد شد. در روزهای گذشته عاطفه رنگریز در صفحه‌ی اینستاگرامش از پرونده‌سازی جدید وزارت اطلاعات علیه او با اتهام "تشکیل گروه" خبر داده و اعلام کرده بود که تا کنون از این اتهام، هیچ گونه اطلاعی نداشته است.

اعلام احکام هشت معترض بازداشتی اعتراضات

هشت معترض بازداشتی اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ از سوی قاضی جانی ایمان افشاری، رییس شعبه ۲۶ دادگاه کذایی تهران محاکمه شدند و نسیم غلامی سیمباری و حمیدرضا سهل‌آبادی با اتهام "قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی (بغی)" مواجه شدند و

این شرکت اعتراض کرد.

در این بیانیه، از جمله، از اینکه مدیریت شرکت مخابرات با پرداخت نکردن به موقع حقوق کارگران به امنیت مالی، روانی و اجتماعی آنان آسیب می‌زند، انتقاد و گفته می‌شود که هیچکس در شرکت "مخابرات"، حتی تلفنی، به پرسش کارگران درباره‌ی پرداخت حقوق پاسخ نمی‌دهد!

تجمع سراسری بازنشستگان صنایع فولاد

روزیکشنبه ۱۰ تیرماه ۱۴۰۳ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان، تهران، البرز مرکزی، البرز شرقی و خوزستان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهرها دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روزیکشنبه ۱۰ تیرماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در کرمانشاه، تهران، اهواز، مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

باز هم حوادث کار، برق‌گرفتگی جان یک کارگر ساختمان را گرفت

روز پنج شنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۳ یک کارگر ساختمانی با هویت "عثمان امینی" ۵۰ ساله و اهل شهر بانه، در حین نصب و رفع اشکال کولر آبی بر اثر حادثه ناشی از کار و برق‌گرفتگی دچار جراحات شدید شده و جان خود را از دست داد.

یک کارگر ۴۰ ساله حین کار در عملیات تعمیرات اساسی پالایشگاه هشتم مجتمع پارس جنوبی عسولویه دچار سانحه شد و جان خود را از دست داد.

این حادثه روز سه‌شنبه پنجم تیر رخ داده و هویت این کارگر روزمزد فرهاد ابراهیمی‌نسب و اهل مسجد سلیمان اعلام شده است.

مجهای کار، برای کارگران به میدان جنگ تبدیل شده است. در میدان جنگ اگر سربازان را بدون سلاح به جنگ بفرستید، جنگی نابرابر رخ میدهد که سربازان بی سلاح کولر، کلور کشته میشوند. در محلهای کار هم وقتی در نتیجه سودجویی دولت و سرمایه داران ابزارهای ایمنی کار وجود ندارد، هر روز شاهد کشتار بی رحمانه نان آوران خانواده‌های کارگری هستیم که نبودشان زخمی عمیق در وجود بازماندگان بجا می‌گذارد. ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن تسلیت به خانواده، دوستان و همکاران عثمان امینی و فرهاد ابراهیمی‌نسب قاتل این عزیزان را سودجویی دولت و سرمایه داران در عدم تأمین ابزارهای ایمنی کار میدانیم.

یک پرستار دیگر بر اثر فشار کار به زندگی خود پایان داد

سام حاجیان، از جوانان اسلام‌آباد غرب در استان کرمانشاه و پرستار شبکه بهداشت و درمان این شهرستان چهارشنبه ۶ تیر در محل کار خود با شلیک گلوله به زندگی‌اش پایان داد.

بنابر خبر منتشر شده، مسئولان محل کار از مدت‌ها پیش سام حاجیان را تحت فشار قرار داده بودند.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای

اعتراضی...

بیش از پیش در خطر به صدور احکام سنگین همچون اعدام قرار گرفتند.

خواهر مجاهد کورکور، زندانی محکوم به اعدام:

برادرم ممنوع التماس و ملاقات است، از او بی خبریم

او در صفحه ایکس خود نوشته است:

”در ماههای گذشته چندین بار خانواده‌ام برای ملاقات با برادرم به زندان شیبان رفتند اما مقامات زندان اجازه ملاقات ندادند، برای پیگیری هم پیش دادستان ایذه رفتند که او هم به پدرم گفته پسرمت ممنوع الملاقات و ممنوع التماس است، الان چند هفته میشه که از مجاهد بی خبر هستیم...“

اعتصاب غذای عاطفه رنگریز در زندان شاهرود

بنا به اطلاع‌رسانی منابع مطلع: ”عاطفه رنگریز از لحظه‌ی ورود به زندان شاهرود، دست به اعتصاب غذا زده است. وی روز شنبه ۹ تیرماه پس از مراجعه به شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب دامغان، بازداشت و به زندان شاهرود منتقل شد. او با اتهام جدید ”تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت ملی“ روبه‌رو شد. این درحالی است که در پی بازداشت سال گذشته، در دادگاه بدوی دامغان به پرداخت جریمه‌ی نقدی محکوم شده بود.“

بیست‌وسومین هفته پیایی از اعتصاب غذای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در زندان‌های مختلف

پیوستن زندان تبریز به کارزار نه به اعدام

در حالی که تحریم گسترده و قاطع نمایش انتخابات حکومتی توسط مردم ایران پتک محکمی بر تابوت استبداد حاکم بود، و باندها و جناح‌های حکومتی از اصلاح‌طلبان تا اصول‌گرایان با بکارگیری کلیه امکانات نتوانستند مردم آگاه ایران را به پای صندوق‌های رأی بکشانند، در مقابل آن مردم شریف ایران در همراهی با زندانیان سیاسی، خانواده‌های دادخواه، معلمان، کارگران، زنان و دیگر اقشار تحت‌ستم در جبهه خلق نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کردند. بی‌گمان حکومت با شکست در نمایش انتخابات و در بحران مشروعیت برای صف بستن در مقابل قیام محتمل به سمت انقباض بیشتر متمایل می‌شود و خطر آن می‌رود که آمار سرکوب و اعدام افزایش یابد. احکام ضد انسانی “بعی” دستکم برای ۱۵ زندانی سیاسی در هفته گذشته شاهد این ادعا می‌باشد.

کارزار “سه‌شنبه‌های سیاه نه به اعدام” در حالی وارد بیست‌وسومین هفته خود شده است که در یک هفته اخیر نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در یک پرونده برای هشت زندانی سیاسی از جمله: نسیم غلامی‌سیمپاری، حمیدرضا سهل‌آبادی، احسان روازئیان، امین سخنور، علی هراتی‌مختاری، حسین محمدحسینی، حسین اردستانی، امیر شاه‌ولایتی و در پرونده‌ای دیگر برای هفت زندانی سیاسی از جمله: وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی، مجتبی تقوی، بابک علیپور، ابوالحسن منتظر، اصغر دانشفر، کیفرخواست با اتهام “بعی” صادر کرده‌است؛ اتهامی که می‌تواند برای این شهروندان و

زندانیان سیاسی حکم قرون وسطایی اعدام در پی داشته باشد.

کارزار زندانیان اعتصابی “سه‌شنبه‌های نه به اعدام” در زندان اوین (بند زنان، بند ۸، بند ۶ و بند ۴)، زندان قزلحصار (واحد ۳ و واحد ۴)، زندان تبریز (بندزنان)، زندان مرکزی کرج، زندان خرم‌آباد، زندان خوی، زندان نقده، زندان سقز و زندان مشهد در بیست‌وسومین هفته اعتصاب غذای خود شاهد پیوستن شماری از زندانیان سیاسی در زندان تبریز به این کارزار علیه اعدام بود. بنا بر گزارش‌های منتشر شده آرمیتا پاپویر و مریم بایرامیان، از جمله زندانیان سیاسی زندان تبریز بودند که با صدور بیانیه‌ای پیوستن خود به کارزار “سه‌شنبه‌های نه به اعدام” را اعلام کردند. با پیوستن این زندانیان سیاسی تاکنون زندانیان سیاسی در ۹ زندان کشور از کارزار “سه‌شنبه‌های نه به اعدام” حمایت کرده و امروز سه‌شنبه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۳ در این ۹ زندان علیه صدور و اجرای حکم غیرانسانی اعدام توسط جمهوری اسلامی و دستگاه‌های قضایی و امنیتی آن در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

پیام مادر کارگر زندانی، شریفه محمدی

مادر شریفه محمدی چشم انتظار اوست در این ویدئو او از ناراحتی و دل‌تنگی خود و نوه اش میگوید از این که هنوز نمیداند چرا دخترش شریفه محمدی را بازداشت کرده اند. او میگوید: من مادر شریفه هستم نزدیک به هفت ماه است که دخترم را گرفته اند و به من خبری از او نمیدهند. من چندین بار به رشت آمدم و از مسئولین زندان خواستم به من جوابی بدهند. التماسشان کردم که بگویند گناه دخترم چیست به من بگویند گناه دخترم شریفه چیست آیا میخواهید همچنان او را در بازداشت نگه دارید؟ خانه و کاشانه و فرزند و همسر شریفه او را انتظار میکشند. فرزندش بلا تکلیف و چشم انتظار مانده، شغلش را از دست داده، مادر شریفه در ادامه میگوید که سالها پیش پسرش که اسیر عراقی‌ها شد او نه بالشی زیر سرش گذاشت و نه تشکی برای خواب داشت.

فقط چشم به راه و به در دوخته بود که او برگردد. او برگشت و حالا برای شریفه دخترش نگران است و چشم انتظار اوست. او روی تشک نمی خوابد و زیر سرش بالش نمیگذارد تا شریفه برگردد. مادر شریفه از مسئولین پاسخ میخواهد او میگوید گناه دخترم شریفه چیست؟ آیا میخواهید بکشیدش، میخواهید نگهش دارید در زندان؟ یا میخواهید آزادش کنید؟

وقتی سیروس را گرفتید آیدین غصه خورد، ناراحت شد، اذیت شد، و مدتهاست دل‌تنگ مادرش شریفه است. من هم در این مدت عذاب کشیدم و اذیت شدم، فقط به من بگویند گناه شریفه چیست و به چه جرمی زندانی ست!!؟

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ستون آخر،

۱۵ تیر، علیه کل نظام! جمهوری اسلامی نمیخواهیم!

سیاوش دانشور

جمهوری اسلامی در دور اول نمایش انتخابات چهاردهم با نه قاطع مردم روبرو شد. بار دیگر معلوم شد بزرگترین بلوک رای در ایران نخواستن جمهوری اسلامی است. در دور دوم نمایش بین دو گماشته خامنه ای، جلیلی و پزشکیان، کل تلاش حکومت از خشکه مقدس ها تا اصلاح طلبان منحط و فرصت طلبان توده ایست را با شکست قاطع تری روبرو کنیم.

اصلاح طلبان حکومتی، مادام که جمهوری اسلامی هنوز قدرت دارد، یک پایه اجتماعی نازک از اقشار مرفه و محافظه کار دارند. لایه ای که در ایران تحت اسارت باندهای اسلامی، روی دوش سرکوب و استثمار خشن طبقه کارگر و فقر عمومی پول پارو میکند. از منظر مردم آزادیخواه، اصلاح طلب حکومتی همان جنایتکار پیشکسوتی است که در کنار برادران اصولگرا این شرایط را به مردم ایران تحمیل کردند. کسانی که بوی کهنگی شان مشام را می آزارد، در فساد و دروغ شهره آفاق اند و در سرکوب پرونده شان باندازه خامنه ای سنگین است. کسانی که زیر پرچم خمینی فجایعی خلق کردند که هنوز ابعاد آن بدرستی روشن نشده است. کشتارهای بعدی جمهوری اسلامی روی دوش تجارب اصلاح طلبان حکومتی شکل گرفت.

دو قطبی کاذب

روز ۱۵ تیرماه با یک دو قطبی کاذب روبرو هستیم که از ابتدا صحنه برای آن مهندسی شده بود. دو



طرفدار بازار آزاد و حامی طبقه سرمایه دار، دو ضد زن و تروریست که عصاره نظم ترور و تاجر را در خود فشرده و بیان میکنند. شوک اقتصادی و گرانی بنزین و برق و گاز و

نیازهای عمومی بمتابه خط مشترک کل باندهای حکومتی در راه است. اینجا صحنه نبرد واقعی است نه مضحکه انتخابات قاتلین حرفه ای.

از موضع اردوی انقلابی با تداوم این نظام نه اصلاح و نه تغییر ممکن و مقدور نیست. آنان که با هر محاسبه ای در این مضحکه شریک شدند، عمیقاً اشتباه کردند و خود را در مقابل مردمی قرار دادند که فرزندان شان توسط این حکومت قتل عام شدند. با این دور جدید نمایش «انتخابات» و زبان مشترک سران متفرقه نظام اسلامی، دیگر برای هر متوهمی باید روشن شده باشد که برای استیفای حتی یک قطره آزادی باید از روی جنازه جمهوری اسلامی عبور کند.

روز ۱۵ تیرماه با عزم قاطع عدم شرکت در سیرک مضحک خون و جنایت، مشت محکمی بر دهان خامنه ای و کل باندهای اسلامی بکوبیم. ما انتخابمان را کرده ایم. انتخابات موضوعیت ندارد، شعار روز اینست: مرگ بر کل نظام!

۴ ژوئیه ۲۰۲۴

آدرسهای تماس با حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

Homayon_1954@yahoo.de

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیست
بمناسکی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب کمونیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!